

احكام حيض و نفاس



ديزاین: الحاج سلیه عابد پیمان سویدن

۱۳۹۴



تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين « سعیدی - سعيد افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

www.masjed.se

احکام حیض و نفاس

بسم الرحمن الرحيم

احکام حیض و نفاس

تتبع و نگارش :

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مطالعات ستراتژیک افغان و
مسؤل مرکز کلتوری دحق لاره-جرمنی

خداوند متعالی در قرآن عظیم الشان میفرماید :

« ویسنلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض ولا تقربوهن حتی یطهرن فإذا تطهرن فأتوهن من حیث امرکم الله . إن الله یحب التوابین ویحب المتطهرین . نسا وکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شنتم وقداموا لا نفسکم واتقوا الله واعلموا انکم ملاقوه وبشر المؤمنین . » (سوره بقره آیات ۲۲۲ و ۲۲۳)

« از تو در باره (آمیزش با زنان هنگام حیض) سوال میکنند بگو: که آن نجاست است برای زنان باید که از زنان در حال حیض کناره گیری کنید و با ایشان در حال حیض نزدیکی جنسی ننمایید تا وقتی که پاک شوند پس همینکه غسل کردند و پاک شوند ، پس نزدیکی کنید با ایشان از جایی که خدا به شما امر نموده است . (وراه طبیعی زناشویی و وسیله حفظ نسل است) با آنان نزدیکی کنید هر آینه خداوند دوست میدارد توبه کنندگان را ، و دوست میدارد آنهایی را که در پی پاک شدن هستند .

زنان شما کشتزار شما اند از هر طرف که خواستید به کشتزار خود در انید و در صدد پدید آوردن یادگاری و نسلی برای خود برانید و از خدا پروا کنید و بدانید که شما او را دیدار و ملاقات خواهید کرد و مؤمنین را بشارت ده «
همانطوریکه ملاحظه فرمودید :

خداوند متعال فرموده است « ویسنلونک عن المیحض قل هو اذی .. » کلمه (محیض) مصدر (حاضت المرأة حیض) است ، و معنی آن چنین میشود : « حیض جریان خون است که از شر مگاه زن بدون ولادت و پارگی در حالیکه دارائی صحت است ، خارج میگردد » و چون این مصدر مختص زنان است لذا اسم فاعل آن را مذکر هم می آورند ، و میگویند زن حائض . «
طوریکه ملاحظه فرمودید در آیه متبرکه « محیض » را « اذی » معرفی داشته اند ، و این بدین معنای است که خون که به عادت زنان متعلق میگردد ، و از عمل خاصی حاصل می شود که طبیعت زن در مزاج خون طبیعی زن انجام می دهد ، و مقداری از خون طبیعی او را فاسد ، و از حال طبیعی خارج نموده ، و به داخل رحم می فرستد ، تا بدین وسیله رحم را پاک کند ، و یا اگر جنین در آن باشد ، با آن خون جنین را غذا دهد ، و یا اگر طفلی بدنیا آمده ماده اصلی برای ساختن شیر جهت طفل را آماده سازد .

مفسرین تفسیر کلمه « اذی » را به معنای ضرر گرفتند ، و محیض را هم به معنای جمع شدن با زنان در حال حیض گرفته و در مجموع در معنای آیه متبرکه گفته اند :

« از تو می پرسند آیا در چنین حالتی جایز است که انسان با زن خویش آمیزش کند ؟ در جواب آن گفته شود ، این عمل ضرر است . و این مسئله به فهم منطقی هم دقیق است طوریکه اطباء هم گفته اند : « طبیعت زن در حال حیض سرگرم پاک کردن رحم ، و آماده کردن آن برای حامله شدن است ، و جماع در این حالت این نظام را مختل می سازد ، و به نتیجه این عمل طبعی یعنی به حمل (و به رحم

احکام حیض و نفاس

زن) ضرر میرساند. پس « **فا عتزلوا النساء فی المحیض ، ولا تقر بوهن ..** » کلمه « **اعتزال** » که جمله « **فاعتزلوهن** » امر از آن است ، به معنای عزلت گرفتن ، ودوری جستن از آمیزش است . و مراد از اعتزال ترك نزدیکی از محل خون است .

سن آغاز حیض :

دلیلی برای زمانبندی شروع حیض (عادت ماهیانه) و پایان آن در پنجاه سالگی وجود ندارد ، وقول صحیح آنست که هر وقت زن آن خون معروف نزد زنان را ببیند آن خون ، خون حیض شمرده میشود :

« **ویسألونک عن المحیض قل هو أذی** » (سوره البقره : ۲۲۲) و در باره حیض از تو می پرسند ، بگو حیض پلیدی است . (اگر توجه نمایم ، در این آیه حکم آیه عمومیت داشته و خداوند حکم (حلال و حرامی را که از وجود حیض ناشی می شود) را به وجود حیض وابسته نموده ، و برای آن سنی را تعیین نفرموده است ، پس واجب است که به آنچه حکم بدان وابسته است که همان وجود (**حیض**) باشد رجوع شود ، پس هر زمانیکه حیض دیده شود ، حکم ثابت می شود و هر گاه (حیض) وجود نداشته باشد حکم ثابت نمی شود ، بنابر این هر وقت زن حیض را ببیند حائض (در حال عادت) است گرچه در سنی کمتر از نه سال و بیشتر از پنجاه سال باشد ، زیرا زمانبندی احتیاج به دلیل و حال آنکه دلیلی برای زمانبندی وجود ندارد . اگرچه اکثریت علما کرام و فقها سن آغاز حیض را نه سالگی معرفی داشته اند و بر این امر معتقد اند که حیض تا آخر عمر دوام می یابد . و دلیلی برای پایان آن نمی باشد و اگر زنی پیر هم خون ببیند حیض شمرده میشود .

امام صاحب ابو حنیفه (رحمة الله علیه) میفرماید : « **نظر به قول مختار اگر دختر نه ساله خون ببیند در حکم حیض می باشد و باید در چنین حالتی روزه و نماز را ترك گوید و این امر تا سن یأس دوام می کند و قول مختار آنست که سن یأس پنج و پنج سالگی میباشد و اگر زنی بعد از آن سن خونی ببیند حیض شمرده نمیشود . مگر در صورتیکه مقدار خون زیاد و به رنگ سیاه یا سرخ تیز باشد در آن صورت حیض شمرده میشود .** »

صفات ومدت حیض :

خون حیض آن خون است که اکثراً با نوعی از سوزش بیرون میشود ، رنگش به سیاهی نزدیک بوده و دارای بوی بدی میباشد .

در شرع اسلامی هیچ حدی برای حداقل و حداکثر آن وجود ندارد و معمولاً در این مورد به عادت زنان مراجعه مینمایند ولی فقها و شارعین دین مدت کم حیض را سه روز ، وسط آن پنج واحد اکثر آن ده شبانه روز معرفی داشته اند . البته آمدن خون در تمام این مدت شرط نبوده بلکه وجود خون در اول موعد کفایت می کند و اگر در میان طهارت واقع شده و باز خون ببیند هر یک بصورت علیحده حیض پنداشته میشود .

از ربیع بن صبیح (رض) روایت شده که از انس (رض) شنید که میگفت : « **لایکون الحیض اکثر من عشرة** » (دار قطنی) « **نیست حیض بیشتر از ده روز** » و احناف بر این امر معتقد اند که : « **هر گاه بر حائض حداکثر مدت حیض که ده روز است بگذرد جماع قبل از بند شدن خون و قبل از غسل جایز است اما غسل قبل از جماع مستحب است .** »

احکام حیض و نفاس

اگر خون بعد از حد اکثر عادت و قبل از حد اعظم مدت حیض قطع گردد قبل از غسل جماع جایز نیست و در صورت عدم موجودیت آب تیمم نموده و به آن نماز بگذارد. احتیاط جماع نکردن با حائض قبل از غسل است هر چند خون بعد از حد اعظم مدت حیض قطع گردیده باشد.

سبب حیض :

ام المؤمنین بی بی عائشة (رض) روایت نموده که پیامبر اسلام در مورد حیض فرمود: « **إن هذا امر كتبه الله تعالى على بنات آدم** » (متفق علیه) «حیض امریست که خداوند تعالی بر دختران آدم لازم کرده است.»

نظریات مذاهب مختلف در مسأله محیض :

در مسأله محیض یهودی ها شدت عمل را از خود نشان میدهند، مردان یهودی در حال حیض زنان، حتی از خوردن غذا و آب و محل زندگی و بستر با زنان خویش دوری می کردند، و در تورات نیز احکامی سخت در باره زنان حائض و کسانی که در محل زندگی و در بستر و غیره با ایشان نزدیکی می کنند وارد شده است.

اما نصارا، در مذهب خویش هیچگونه حکمی را در مورد جماع و نزدیکی با زنان، ذکر نه نموده اند. حالت مشرکین عرب نیز در همین وضع بود، ولی ساکنین مدینه و دهات اطراف آن، از این کار اجتناب می کردند، و این بدان جهت بود که آداب و رسوم یهودیان در ایشان سرایت کرده بود و همان سخت گیری های یهود را در معاشرت با زنان حائض معمول و مراعات می داشتند، و اما سایر اعراب، حتی این عمل را مستحب هم میدانستند، می گفتند جماع با زنان در حال حیض باعث می شود فرزندی که ممکن است در نطفه بوجود آید خوانخوار باشد، و خونخواری در میان عده ای از عشایر اعراب صحرانشین صفت خوبی به حساب میرفت.

جماع در هنگام حیض :

شریعت اسلام بر اساس حکم قرآن عظیم الشان جماع در دوران حیض و نفاس را نه تنها منع بلکه آنرا حرام اعلام داشته، و پیروان خویش را از آمیزش در حال حیض و نفاس بصورت مطلق منع نموده است

دین اسلام به صراحت تام به پیروان خویش هدایت فرموده است: « **فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي المَحِيضِ وَ لَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ، فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّهُ** » (سوره بقره: 222) یعنی: «در حالت قاعدگی از (جماع) با زنان کناره گیری نمایید و با ایشان (از طریق مهبل) نزدیکی نکنید، تا آنگاه که پاک می شوند، هنگامی که پاک شدند از جایی که خدا به شما امر داده است (و راه طبیعی زناشویی و وسیله حفظ نسل است) با آنان نزدیکی کنید.»

ولی در سایر معاشرت با زنان حائض راه وسط و میانه را البته نه افراط یهودیت و نه تفریط نصارا را در پیش گرفته، و به پیروان خویش هدایت داده است که در هنگام عادت زنان از محل ترشح خون با زنان خویش نزدیکی نکنند. ولی از سایر تمتعات میتواند مستفید گردند.

طوریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در این بابت میفرماید: «**إِصْنَعُوا كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا النِّكَاحَ**». ابوداود (255) و مسلم (302).

هكذا در حدیثی از «مسروق بن اجدع» روایت شده که گفت: «از عایشه پرسیدم: من می خواهم درباره چیزی از شما سوال کنم ولی شرم دارم! عایشه رضی الله عنها گفت: ولی من مادرت هستم و تو پسرم هستی، مسروق گفت: مرد چه چیزی را می تواند با زنش انجام دهد وقتی که او قاعده (در حیض) باشد؟ عایشه رضی الله عنها گفت: هر چیزی بجز نزدیکی جنسی». امام طبری در تفسیرش (378/4) با سند

احکام حیض و نفاس

صحیح و امام بخاری در کتاب تاریخش.

و تردیدی نیست که عایشه رضی الله عنها آگاه ترین مردم نسبت به این مسئله است، زیرا او زوجه نبی صلی الله علیه و سلم بود. و هیچیک از مذاهب اهل سنت مخالف آن نبوده اند، و ظاهراً شما اطلاع نداشتید. همه علما بر این رای اند که جماع مرد با همسر خود در حال حیض حرام است، و بر زن واجب است که همسر خود را از این عمل باز دارد و با آن مخالفت ورزد که با درخواست شوهرش در این مورد موافقت نکند زیرا اطاعت از مخلوق در مقابل مخالفت با خالق جائز نیست.

شیخ ابن عثیمین در این مورد میفرماید:

«آیه متذکره، بیانگر این مطلب است که جماع و آمیزش با زن در دوران حیض، حرام است. هرگاه زن پاک شد تا وقتی که غسل نکرده نباید با او آمیزش نمود، چون خداوند متعال می فرماید: «فَبِأَدَا تَطَهَّرْنَ» یعنی وقتی که غسل کردند.

خداوند متعال می فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» (سوره المائده-6) «و اگر جنب باشید، غسل کنید.»

اما شوهر می تواند به غیر از جماع و مقاربت، به صورتهای دیگر با همسرش آمیزش کند. این عمل از شهوت فردی که نمی تواند در زمانی که زنش قاعده است، خودش را کنترل کند می کاهد. باید دانست که آمیزش و مقاربت با همسر از راه پشت حرام است؛ خواه زن حائض باشد یا نباشد. (مراجعه شود - فقه العبادات(112-115) شیخ ابن عثیمین)

خواننده محترم!

برخورد دین یهودیت، با زن حائض و زنکیه در دوران مریضی ماهانه باشد بی نهایت شدید و ظالمانه است، دین یهودیت در تعلیمات خویش گفته اند که: حتی نشست و برخاست و تماس با او موجب نجس شدن بدن و لباس انسان می شود.

در تورات با تمام صراحت آمده: زن تا هفت روز بعد از عادت ماهانه اش شرعاً نجس بوده و در آن مدت هر کس به او دست بزند تا غروب نجس خواهد شد و او روی هر چیزی بخوابد یا بنشیند آن چیز نجس خواهد شد. اگر کسی هم به رختخواب آن زن یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند باید لباس خود را شسته و غسل کند و شرعاً تا غروب نجس خواهد بود. و مردی هم که در این مدت با او نزدیکی کند شرعاً تا هفت روز نجس بوده و هر رخت خوابی که او روی آن بخوابد نجس خواهد بود. (سفر لویان،

15:19-24)

مهم ترین محرّمات نزد ملت های اولیه مربوط به دوره حیض زن بوده و در این هنگام هر کس یا هر چیز او را لمس می کرد اگر انسان بود فضلیتیش را از دست میداد و اگر غیر آن بود فایده اش از بین میرفت. وضع حمل نیز نجس بود و موجب ناپاکی زنان می شد و پس از آن لازم بود آداب خاصی بکار رود تا زن از نجاست پاک شود.

همبستری با زن نه تنها در ایام حیض بلکه در تمام دوران حمل و شیر دادن میان قبیله های اولیه حرام بود. شاید این از ابداع های خود زنان بود تا بتوانند به این ترتیب راحتی خودشان را بیشتر حفظ کنند؛ ولی علت های اصلی به زودی فراموش میشود و زن وقتی چشم باز میکند خود را در نظر دیگران نجس می بیند و کم کم خود نیز، این ناپاکی را باور میکند و حیض و بارداری را همچون ننگی تلقی مینماید. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، جمعی از مترجمان جلد 1 صفحه 84-85)

غسل زن حایض در یهودیت:

در کتاب مقدس یهودان: زن حایض شرعاً ناپاک دانسته شده است. او برای این که شرعاً پاک شود باید در حوض آب پاک (میقوه)، که معمولاً از آب چشمه یا هم آب باران است، غسل کند.

احکام حیض و نفاس

میقوه : Mikveh طوری که در فوق یاد آور شدیم حوض یا «آبگیر» ی از آب طبیعی که در یهودیت از آن برای طهارت استفاده می‌شود. میقوه معمولاً با روانه کردن آب باران به جایی که برای همین منظور ساخته شده شکل می‌گیرد.

همین که آب به میزان حداقل لازم برای تشکیل میقوه جمع شد حوض جداگانه‌یی از آب معمولی به آن «آب جاری» متصل می‌شود. شستشوی شرعی در همین آب معمولی که عملاً ادامه‌ی آن آب طبیعی است صورت می‌گیرد و می‌توان آن را با کشیدن و پر کردن عوض کرد.

امروزه یهودیان سنتی استفاده‌های مختلفی از میقوه می‌کنند. زنان در پایان دوره‌ی کناره‌گیری حیض و نیز پس از زایمان و پیش از سرگیری روابط زناشویی در آن غسل می‌کنند.

نودینان (نودینی) باید در میقوه فرو روند (طویلا). همچنین برای استفاده از ظروفی که از بیگانگان خریداری شده باید آن را در میقوه فرو برد. یهودیان پیش از نمازها یا قبل از سبت (شب‌ات) در میقوه غسل می‌کنند. 626/8031/0

استنتاج نهایی :

بصورت کل و منحصی استنتاج نهایی باید بعرض برسانم که : در دین مقدس اسلام ، هیچ دلیلی بر حرام بودن لذت جویی و استمتاع از زن در دوران حیض و نفاس ، البته بجز از فرج و مقعد - وجود ندارد ، وطوریکه در فوق متذکر شدیم : تنها چیزی را که شریعت حرام کرده همان مجامعت از طریق مهبل (فرج) است و البته نزدیکی از طریق مقعد که در همه احوال حرام است ، بنابراین چون دلیلی از کتاب و سنت بر حرام بودن استمتاع از بدن زن (بغیر از مهبل و مقعد) در دوران حیض و نفاس وجود ندارد ، از اینرو این عمل جایز است ، مگر برای کسانی که احتمال می‌دهند که بر شهوت خود کنترل نداشته باشند که در این حالت یا اصلاً به همسرش نزدیک نشود و یا باید تکه پارچه ای را مابین ناف و زانوی زن قرار دهند و بعد استمتاع جوید.

کفاره آمیزش با زن حائض :

در مورد کفاره آمیزش با زن حائض امام نووی رحمه الله طی فتوای مینویسد :
«اگر مسلمانی معتقد به جواز آمیزش با حائض در فرجش (از راه طبیعی) باشد، کافر و مرتد می‌شود؛ و اگر کسی این کار را انجام دهد و معتقد به حلال بودن آن نباشد اگر فراموش کرد یا از وجود حیض خبر نداشت یا ندانست که حرام است یا کسی به زور او را وادار به این کار کرد، هیچ گناهی بر او نیست و کفاره هم ندارد؛ اما اگر عمداً و با آگاهی از فرارسیدن حیض و تحریم آن و با اختیار، با زن حائض آمیزش کرد مرتکب گناهی کبیره شده است. امام شافعی هم به کبیره بودن آن تصریح کرده است. بر او واجب است که توبه کند، و در وجوب کفاره بر او دو نظریه وجود دارد.» شرح صحیح مسلم (3/204).

در حدیث ابن عباس (رض) آمده است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره مردی که با زن حائض خود آمیزش کرده بود ، فرمودند : « یتصدق بدینار أو نصف دینار » (یک یا نصف دینار صدقه دهد) . (صحیح سنن ابن ماجه : ۵۲۳) ، (سنن ابو داود : ۲۶۱ / ۴۴۵ / ۱) ، (سنن نسائی : ۱ / ۱۵۳) ، (سنن ابن ماجه : ۶۴۰ / ۲۱۰ / ۱)

مختار بودن شخص (در پرداخت نصف دینار یا یک دینار) که در حدیث آمده به تفاوت بین اول حیض و آخر آن بر می‌گردد. به دلیل حدیث موقوفی که از ابن عباس روایت است که :

« إن أصابها فی فور الدم تصدق بدینار وإن کان فی آخره فنصف دینار » (اگر در ابتدای حیض با او آمیزش کرد یک دینار و اگر در آخر حیض با او آمیزش کرد نصف دینار صدقه بدهد) . (صحیح سنن ابو داود : ۲۳۸) ، سنن ابو داود (عون المعبود) : (۲۶۲ / ۲۴۹ / ۱)

احکام حیض و نفاس

جمهور علماء (امام صاحب ابوحنیفه، امام مالک و امام شافعی) در این مورد دارایی دوقول اند :
قول اول آنست که :

برای شخص متذکره نیازی نیست که کفاره پرداخت نماید .
دلیل آنها حدیث وارده از پیامبر صلی الله علیه وسلم است که فرمود: «من أتى حائضا أو امرأة في دبرها، أو كاهنا فصدقه بما يقول فقد كفر بما أنزل على محمد». (ابن ماجه 1/209/639).
یعنی: هر کس در زمان قاعدگی و یا از محل مدفوع با همسرش آمیزش کند، و یا نزد کاهنی برود و آنچه را که (کاهن) می‌گوید تصدیق کند، به آنچه بر محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده کافر شده است.
و گفته اند: در این حدیث اشاره ای به دادن کفاره نشده است، پس با توجه به اصل حرمت مال مسلمان و اشاره نکردن حدیث فوق به وجوب کفاره، پس کفاره نیاز نیست.

قول دوم:

در این بابت از امام احمد است که حکم فرموده است که : کفاره لازم است.
به دلیل حدیث ابن عباس رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره مردی که با زن حائض خود آمیزش کرده بود، فرمودند : «یتصدق بدینار أو نصف دینار». «یک یا نصف دینار صدقه دهد». شیخ البانی در صحیح ابن ماجه (523). و احمد شاکر در تحقیق بر مسند احمد (325/3) اسناد آنرا صحیح دانسته است.
مختار بودن شخص (در پرداخت نصف دینار یا یک دینار) که در حدیث آمده به تفاوت بین اول حیض و آخر آن برمی‌گردد. به دلیل حدیث موقوفی که از ابن عباس روایت است که : «إن أصابها في فور الدم تصدق بدینار وإن كان في آخره فنصف دینار». البانی در صحیح ابوداود (238).
یعنی: «اگر در ابتدای حیض با او آمیزش کرد یک دینار و اگر در آخر حیض با او آمیزش کرد نصف دینار صدقه بدهد».

و منظور از دینار، دینار طلا است، یک دینار برابر 4/25 گرم طلای 24 عیار است. (یک مثقال طلای 24 عیار).

اما بعضی از علما مانند ابن حزم در «المحلی» (187/2) و امام نووی در «المجموع» (359/2) و بیهقی و امام شافعی حدیث «یتصدق بدینار أو نصف دینار» را به دلیل وجود اضطراب در آن ضعیف می‌دانند. ولی بسیاری دیگر از علما نیز مانند ابن حجر و ابن تیمیه و شیخ البانی و امام احمد و علامه ابن عثیمین در «شرح الممتع» و دیگران آنرا مقبول دانسته اند و به آن استناد نموده اند.
ولی بهتر آنست که جهت احتیاط - ضمن توبه از این عمل حرام - کفاره هم داده شود، مگر کسی که به حکم حرمت آن آگاه نبوده که در اینحالت تنها توبه لازم است و نیازی به دادن کفاره نیست.

زن هم باید کفاره دهد؟

بعضی از علما فرموده اند: بر زن لازم نیست کفاره دهد.
و برخی دیگر از علماء گفته اند: اگر زن عالماً و عامداً و با اختیار خود با شوهرش جماع کند و او نیز از حرمت جماع در وقت حیض آگاه باشد، پس باید او نیز کفاره بدهد، همانگونه که مرد باید کفاره بدهد.

وجایب و مکلفیت های زن بعد از حیض :

طبق دستور شرعیت بر زن حائض واجب است که پس از پایان عادت ماهانه در قدم نخست غسل کند ، و به اصطلاح تمام بدن خویش به وسیله آب نیت پاک شدن از حیض بشوید.
طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد فرموده است : «فإذا أقبلت حیضتک فدعی الصلاة، وإذا أدبرت فاغتسلی وصلی». (رواه البخاری). (هرگاه دوره عادت ماهانه تو فرا رسد، نماز را کنار بگذار؛ و

احکام حیض و نفاس

وقتی آن دوره تمام شد و پشت کرد، غسل کن و نماز بخوان).

ترتیب غسل زن حائض در اسلام :

زن حائض اول نیت رفع حدث و یا نیت طهارت برای نماز و همانند این را بکند. آنگاه «بسم الله» بگوید، سپس بر تمام بدنش آب بریزد و کوشش کند آب به زیر موهایش برسد، اگر زن موهای خویش را به صورت گیسو بافته باشد، واجب نیست آن را باز کند، بلکه فقط رساندن آب به بیخ موها کافی است. اگر از در شستن مو و بدن از صابون، شامبو و یا سایر مواد پاک کننده استفاده بعمل آید بهتر خواهد بود، و مستحب است پس از اتمام غسل تکه پنبه‌ای را با عطر آغشته نموده و در داخل فرج خود قرار دهد؛ به دلیل حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم که به اسماء این دستور را دادند. رواه مسلم. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به: کتاب تنبیهاات علی احکام تختص بالمؤمنات، شیخ دکتر صالح بن فوزان)

یادداشت ضروری :

قابل تذکر است که جسم زن در حال حیض نجس نبوده وزن میتواند همه امور زندگی خویش را بطور نورمال انجام دهد.

در حدیثی از حضرت بی بی عانیشه رضی الله عنها روایت است: « کنت أشرب وأنا حائض ثم أناوله - ای الکأس - النبي صلی الله علیه و سلم، فیضع فاه علی موضع فیّ فیشرِب... » (صحیح مسلم)، یعنی: (در حالیکه حائض (قاعده) بودم مینوشیدم سپس گیلان را به پیامبر صلی الله علیه و سلم میدادم و دهانش را در جایگاه دهانم بر روی گیلان میگذاشت و مینوشید... » .

نظر اطباء در مورقرابت جنسی در مدت حیض

طب امروزی بر این امر معتقد است که: « دوره حیض با وصف آنکه يك امرکاملاً طبیعی میباشد برای زنان موجب درد های مختلف میگردد. در زمان حیض عادتاً دگرگونی هایی در مزاج زنان به مشاهد رسیده، در تمام بدن احساس گرفتگی نموده و دردهای شدیدی را در کمر احساس می نمایند. بر علاوه درد های دیگری نیز دیده میشود که همه در ذات خود از جمله اعراض حیض به حساب میروند. اگرچه از لحاظ علمی حیض را نمیتوان مریضی نام نهاد، اما خطرات آن از مرض کمتر نیست زیرا زن دردهای در دوران حیض احساس می کند که به ضعف شدید جسمانی مبتلا میگردد. و برخی از اوقات شدت این درد ها در عده از زنان موجب ایجاد قولنج ها گردیده و زیاتر وقت با اعراض هیستری همراه گردیده و به بیهوشی می انجامد.

هدف از توضیحی این نکات به منظور آنست که فقط زن است که در معرض تمام این مشکلات قرار گرفته است. همچنان کلمه « **آذی** » که در آیه متبرکه ذکر از آن بعمل آمده است مفهوم پلیدی خون و کثافت محل را میرساند که مرد مهذب را به دوری از آن وامیدارد.

باید تذکر داد که ترشحات بدن انسان به دونوع تقسیم میگردد: یکی از آنها دارای فایده و به نفع جسم انسان است، مانند ترشحاتی که به هضم غذا و یا تناسل و تولد کمک مینماید و یا ترشحاتی که داخلی که جهاز و بافتهای جسم را تنظیم میکند این نوع ترشحات برای حیات و دوام آن ضروری، و بدون ضرر می باشد.

نوع دوم ترشحاتی است که بدون فایده است و لازم آن را از جسم دور ساخت، اگر این مواد که سمی است در بدن باقی بماند، به جسم زیان میرساند. مانند ادرار و مدفوع، عرق و حیض و... خون حیض که خون فاسد و نجسی است، از جمله ترشحات مضره بحساب آمده و باید از بدن خارج گردد، این خون دارائی میکروبهائی است که نه تنها موجب درد ها برای زن میشود بلکه اگر

احکام حیض و نفاس

عمل جنسی در این مدت صورت پذیرد موجب التهابات حاد اعضای تناسلی مرد نیز میگردد. زیرا میکروب بداخل قنات بولی راه یافته و بعضاً مثانه و هردو حالب را نیز مصاب می سازد؛ و در برخی از اوقات التهابات به غده کوبر، پروستات، غده های تولید کننده منی، خصیه ها و باریخ نیز سرایت میکند.

التهاب قنات بولی موضوع ساده نیست بلکه درد های و عوارضی بر شخص می گذارد که طاقت فرسا میباشد. و برخی از اوقات همین التهابات مانع دفع ادرار میگردد. و یا هم انسان را به درد های شدید مواجه می سازد؛ که تحمل ناپذیر است. این التهابات با افزایش شدت مذی همراه بوده که در حالات پیشرفته با خون توأم میشود. و موجب تب، لرزه و در نهایت موجب ضعف جسمی میگردد. اگر این التهاب مجری خلفی را مصاب سازد اندازه چرک با خون امیخته گردید و زمینه ادرار را به مشکلات مواجه ساخته و انسان به درد های شدید مواجه میگردد، جسم ضعیف شده و موجب کم اشتها می گردد، و اکثراً این وضعیت با تب و سرعت ضربان قلب دوام می یابد و در زیاتر از موارد به مرض مزمن مبدل میگردد و خطرات دیگری را از جمله التهابات حشفه و قلفه را بوجود آورده، و در نهایت در بسیاری موارد موجب عملیه قطع ذکر می انجامد تا از مسموم شدن سایر بدن جلوگیری بعمل آید.

آنچه تا اکنون ذکر نمودیم به سبب التهاب بیسط در مجری بولی میباشد و بعید نیست که اگر التهاب به حالب ها و قاعده کلیه ها سرایت کند و مانع پایین شدن بول گردد این عمل در قدم نخست موجب تسمم خون شده و خطر حتمی مرگ در قبال دارد.

خواننده محترم توجه فرمائید!

در فوق ملاحظه نمودیم که چگونه علم پزشکی بدنبال قرآن حرکت میکند و از نور هدایتش استفاده مینماید و به حقایق دستورات آن اعتراف میکند.

معنا و مفهوم طهارت :

« حتی یطهرن فاذا تطهرن فاتوهن من حیث امر کم الله » طهارت یعنی پاکی . و در مقابل طهارت نجاست قرار دارد . انسان هر چه را که میخواهد و طبیعتش به آن تمایل پیدا میکند و در آن فایده را سراغ میکند ، و به اثر فایده که در آن سراغ می یابد ، به آن تمایل میکند طهارت است و از آنچه که انسان و طبع انسانی از آن متنفر میگردد نجاست میباشد .

دین اسلام معنای طهارت و نجاست را معتبر شمرده و قوانین را برای ظاهر و نجس وضع نموده است . در آیه متبرکه « ولاتقربوهن حتی یطهرن » مفهوم طهارت را پاکی از حیض دانسته است . یعنی زمانیکه جریان خون از زنان قطع گردد . و در جمله « فاذا تطهرن » را به دو معنای ، به معنای شستن محل خون و یا به معنای غسل کردن مورد ترجمه و تفسیر قرار داده است .

همچنان شریعت اسلام تعدادی از اشیا را نجس قلمداد نموده و پیروان خویش را به دوری از آن هدایت فرموده است . که یکی از آنها همان خون حیض است . در جمله « فاتوهن من حیث امر کم الله » امری است که تنها جواز را می رساند ، و دلالت بر وجوب ندارد ، چون بعد از نهی واقع شده ، و می خواهد بطور کنایه بفهماند : بعد از پاک شدن ، و یا غسل کردن زن ، نزدیکی کردن با او جایز است .

اموری که در حال حیض مباح است :

از انس بن مالک (رض) روایت میکند : که : « زنان یهود زمانیکه دوره حیض شان فرا میرسید ، آنان را از خانه بیرون میکردند و از خوردن و نوشیدن با او دوری می نمودند ، صحابه کرام این مساله را از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند . در جواب سؤال صحابه این آیه متبرکه نازل شد :

احکام حیض و نفاس

« ویسأ لونك عن المحيض قل هو أذى .. » تا آخر آیت ، پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از قرانت این آیه متبرکه فرمود :

« با زنان حائض در يك خانه زندگی کنید و هر کاری دیگری را انجام دهید الا جماع » (این حدیث را مسلم ، نسائی ، ابو داود ، ترمذی ، وابن ماجه روایت کرده است .)

عبادت جایز برای زنان حائض

امورات و عبادات که برای زن حائض مباح و جایز میباشد است عبارتند از :

1- ذکر الله و قرانت قرآن عظیم الشان :

این قول راجح در مذهب امام ابو حنیفه ، امام شافعی و مذهب امام حنبل میباشد . و احادیث وارده در مورد نهی از قرانت قرآن توسط افرادی که بر آنها غسل واجب است ضعیف است .

از جمله حدیث که : از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده: « لا تقرأ الحائض ولا الجنب شیئا من القرآن » یعنی: « زن حائضه و شخص جنب نباید چیزی از قرآن را تلاوت کند » . این حدیث ضعیف است ، و امام احمد و امام بخاری آنرا ضعیف و حتی باطل دانسته اند . (المحرر) (74) .

و یا حدیث که : (نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم ان یقرأ احد منا القرآن هو جنب) (ارواء الغلیل) شیخ الاسلام ابن تیمیه در مورد این احادیث فرموده است که : « به اتفاق اهل معرفت به علم حدیث ، ضعیف است » . (مجموع الفتاوی (191/26) .

هكذا حافظ ابن حجر گفته: « تمام طرفش ضعیف است » . (فتح الباری) (487/1) .

همچنین شیخ البانی در (تخریج مشکاة المصابیح) (439) حتی فرموده است که حدیثی متذکره منکر میباشد .

وبالعکس حدیثی مستند و قوی در تایید قرانت قرآن عظیم الشان بشرح ذیل وجود دارد . که توجه خوانندگان را به آن جلب مینمایم : « عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: خَرَجْنَا لَا نَرَى إِلَّا الْحَجَّ، فَلَمَّا كُنَّا بِسِرْفٍ حَضْتُ، فَدَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَبْكِي، قَالَ: «مَا لَكَ أَنْفَسْتِ؟» قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: «إِنَّ هَذَا أَمْرٌ كَتَبَهُ اللهُ عَلَى بَنَاتِ آدَمَ فَأَفْضَى مَا يَفْضَى الْحَاجُّ، غَيْرَ أَنْ لَا تَطُوفِي بِالْبَيْتِ» .

(بخاری: 294)

(عایشه رضی الله عنها می فرماید: برای ادای حج ، از مدینه منوره براه افتادیم . وقتی به محل «سرف» (نزدیک مکه) رسیدیم ، دچار قاعدگی شدم . رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد من آمد در حالی که گریه می کردم . فرمود: «چرا گریه می کنی؟ آیا دچار قاعدگی شده ای؟» گفتیم: بلی . پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «این چیزی است که خداوند آن را شامل حال همه دختران آدم کرده است . جز طواف خانه کعبه ، تمام احکام و مناسک حج را انجام بده» . و شکی نیست که در حج قرانت قرآن و ذکر الله همواره وجود دارد .)

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می فرماید :

«مسلمانان در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم در حیض افتاده اند ولی ایشان آنها را از قرانت قرآن نهی نکردند ، همانگونه که از دعا و ذکر خواندن نیز نهی نکردند ، بلکه حتی به زنان حائض امر می کردند که در روز عید همراه با تکبیر مردان مسلمان تکبیر گویند» . (مجموع الفتاوی) (21) (460/) .

و باز فرمودند: «در سنت نبوی هیچ مانعی برای قرانت قرآن توسط زنان وجود ندارد ، و مسلمانان در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حیض می افتادند ، و اگر قرانت قرآن بمانند نماز خواندن بر آنها حرام می بود ، قطعاً پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا برای امتش بیان می فرمودند ، و امهات المومنین را بدان آگاه می کرد و آنها نیز به مردم می رساندند ، پس از آنجائیکه هیچیک از پیامبر صلی الله علیه وسلم

حرمت قرائت قرآن برای حائض را نقل نکردند، پس جایز نیست که آنرا (بر زنان) حرام نمود.»
(مجموع الفتاوی (26/191).

همچنان شیخ ابن عثیمین رحمه الله در این بابت طی فتوای میفرماید :
«برای زن حائضه جایز است که قرآن را از روی کتاب تفسیر یا غیر تفسیر بخواند.. اگر از روی کتاب تفسیر باشد در اینحالت داشتن طهارت برای وی مشروط نیست، اما اگر از روی غیر کتب تفسیر باشد مثلاً مستقیماً از کتاب قرآن بخواند، در اینحالت باید بین او و مصحف حائلی باشد مانند دستمال یا دستکش یا همانند اینها، زیرا زن حائض و نیز کسانی که طهارت ندارند نباید مصحف را (مستقیماً با دست) لمس کنند.» (فتاوی نور علی الدرب) - لابن عثیمین (123/27)

2- لمس کردن قرآن عظیم الشان :

در مورد اینکه زن ، حائضه قرآن عظیم الشان را لمس نکند دلیلی که صریح باشد در نهی این امر وجود ندارد هرچند طوریکه در فوق تذکر دادیم ،اکثر اهل علم آن را جائز نمی دانند.
ولی حدیثی که در آن اشاره به لمس نمودن قرآن توسط طاهر دارد ضعیف است یعنی: حدیث (لا یمس القرآن الا الطاهر) (فقه السنه سید سالم)

حکم نهایی در این بابت :

حکم نهایی شرع اسلام در مورد قرائت قرآن و لمس قرآن همین است که : قرائت قرآن برای زن حائضه جایز است، بشرطیکه قرآن را مستقیماً با دست لمس نکنند، ولی می توانند با استفاده از حائلی مانند دستکش و یا تکه پارچه ای مصحف را بر روی شئی پاک بگذارند و سپس شروع به تلاوت قرآن عظیم الشان بکنند. و صفحات آنرا نیز با همان حائل ورق بزنند.

البته زن حائض می تواند از طریق موبایل یا کامپیوتر یا تلفون موبایل شخصی خود نیز به قرائت قرآن بپردازد، که اگر از این طریق باشد هیچ نیازی به طهارت ندارد و حتی لمس صفحه نمایش آن نیز نیازی به داشتن طهارت ندارد و کاملاً جایز است، زیرا صفحه نمایش حکم مصحف قرآن را ندارد.
از شیخ عبدالرحمن بن ناصر البراک در بابت طوری سؤال شدکه : حکم قرائت قرآن از روی دستگاه موبایل بدون طهارت چیست؟

ایشان در بخشی از جواب خویش چنین فرمودند : «...موبایل و دیگر دستگاههای مشابه که قرآن در آنها ضبط می شود حکم مصحف را ندارند؛ زیرا حروف قرآن این دستگاهها با حروف موجود در مصحف تفاوت دارد... و لذا لمس موبایل یا کستی که قرآن در آن ضبط شده جایز است، و قرائت از روی آن نیز جایز است، هرچند که بدون طهارت باشد.»

3- داخل شدن به مسجد :

در مورد اینکه زن حائض میتواند به مسجد داخل گردد و یا خیر ؟ علماء در این مورد اختلاف رای دارند ، ولی چون دلیل صریحی بر ممنوعیت آن وارد نیست پس رای ارجح بودن داخل شدن زن حائض به مسجد است.

بنابراین چون قرائت قرآن و لمس آن و داخل شدن به مسجد برای حائض صحیح است لذا تعلیم قرآن نیز جایز است.

4- شرکت زنان حائض در مراسم عید، خارج از مصلای :

زنان حائض میتوانند در ایام عید ، در مراسم عید با استناد این حدیث اشتراک نمایند : « عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «تَخْرُجُ الْعَوَاتِقُ، وَذَوَاتُ الْخُدُورِ، أَوِ الْعَوَاتِقُ

احکام حیض و نفاس

ذَوَاتُ الْخُدُورِ، وَالْحَيْضُ، وَلَيْسَ هُنَّ الْخَيْرُ، وَدَعْوَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْتَزِلُ الْحَيْضُ الْمُصَلِّيَ، قِيلَ لَهَا: الْحَيْضُ؟ فَقَالَتْ: أَلَيْسَ تَشْهَدُ عَرَفَةَ وَكَذَا وَكَذَا؟. « (بخاری: 324)

(یعنی: ام عطیه رضی الله عنها می گوید: من از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: «دختران جوان، زنان محجبه و زنانی که در دوران قاعدگی بسر می برند، می توانند از خانه خارج شوند و در مجالس خیر و دعوت مؤمنین، شرکت کنند. البته زنان حائضه (ضمن شرکت در مراسم فوق) نباید وارد مصلا شوند.

از ام عطیه رضی الله عنها پرسیدند: آیا زنان حائضه هم می توانند شرکت کنند؟! ام عطیه رضی الله عنها فرمود: (بلی)، مگر در عرفه و جاهای دیگر، زنان حائضه شرکت نمی کنند؟)

5- خوابیدن کنار همسر در دوران قاعدگی:

طوریکه قبلاً متذکر شدیم مرد با زن خویش در حال حیض بجز از قرابت جنسی میتواند از سایر تمتعات به حکم حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم مستفید گردند.

« عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا حَدِيثٌ حَيْضُهَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْخَمِيلَةِ، ثُمَّ قَالَتْ فِي هَذِهِ الرَّوَايَةِ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْبَلُهَا وَهُوَ صَائِمٌ. « (بخاری: 322)

(ام سلمه رضی الله عنها جریان خوابیدنش را در کنار رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در دوران قاعدگی، زیر یک چادر (ملحفه) بیان کرد. سپس افزود که ایشان در حالی که روزه بود، مرا می بوسید.)

حیض مانع چه اعمالی میشود:

حیض از نماز، روزه، ماندن در مسجد، قرانت و لمس قرآن مجید، طواف و جماع منع می کند.

روزه حائض :

زن حائض هر زمانی که از حیض پاک شود روزه فوت شده را به اساس فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم قضا بیاورد .

از معاذ ه روایت است :

« سألت عائشة فقلت : ما بال الحائض تقضى الصوم ولا تقضى الصلاة قالت : كان يصيبنا ذلك مع

رسول الله صلى الله عليه وسلم فنؤمر بقضاء الصوم ولا نؤمر بقضاء الصلاة « (از عایشه (رض) سؤال کردم چرا حائض روزه را قضا می گیرد ولی نماز را قضا نمی آورد؟ عایشه گفت : زمان

رسول الله صلى الله عليه وسلم ، دچار حیض می شدیم ، به قضا ی روزه امر می شدیم ولی به

قضا ی نماز امر نمی شدیم « (صحیح امام مسلم : ۳۳۵ / ۲۶۵ / ۱) ، (صحیح امام بخاری)

فتح الباری) : ۳۲۱ / ۴۲۱ / ۱) ، (سنن الترمذی : ۱۳۰ / ۸۷ / ۱) ، (سنن ابو داود (عون

المعبود) : ۲۵۹ / ۱ / ۴۴۴) ، (سنن ابن ماجه : ۶۳۱ / ۲۰۷ / ۱)

نماز حائض :

همه علماء بر این رای اند که نماز های ترك شده در وقت حیض احتیاج به قضا ندارد . اما اگر بعد از پایان حیض به اندازه خواندن يك ركعت هم فرصت داشته باشد نماز آن وقت را باید ادا نماید .

دلیل آن حدیثی از ابی سعید خدری رضی الله عنه که در آن پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تَصُمْ؟» قُلْنَ: بَلَى. قَالَ: «فَدَلِيكَ مِنْ نَقْصَانِ دِينِهَا». (بخاری: 304)

یعنی: «مگر نه اینکه در ایام حیض و قاعدگی، نماز نمی خوانید و روزه نمی گیرید؟» عرض کردند: بلی .

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «این هم دلیل بر نقص دین شماست.»

یادداشت :

البته پس از پایان دوره ی قاعدگی، لازم نیست نمازهای فوت شده و ناخوانده شده را قضا نمود ولی روزه های فوت شده باید قضا شوند.

دلیل آن حدیثی از عایشه رضی الله عنها است که گفت: « کان یصیبننا ذلک، فنومر بقضاء الصوم و لا نومر بقضاء الصلاة » مسلم 265. (یعنی: هرگاه دچار حیض می شدیم، (پس از پاک شدن) امر به قضای روزه شده ایم ولی امر به قضای نماز نشده ایم.)

ماندن زن حائض در مسجد :

ماندن زن حائض در مسجد جائز نیست . اما گوش دادن به ذکر و قرائت قرآن عظیم الشان در جایی

خارج از مسجد بوسیله بلند گو مانعی ندارد. زیرا جائز است که زن در حالت قاعدگی به ذکر و قرائت قرآن گوش فرادهد ، طوریکه حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها حائض بود در خانه خود پیامبر صلی الله علیه وسلم قرآن را تلاوت می نمود و بی بی عایشه آنرا گوش میداد.

ولی برای زن حائض جائز نیست ، که در مسجد برای گوش دادن قرآن و ذکر باقی بماند .

در حدیث شریف آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در حج الوداع هنگامیکه از حائض بودن صفیه رضی الله عنها باخبر شد و فکر می کرد صفیه هنوز طواف افاضه نکرده است ، فرمودند : آیا ما را در انتظار خواهد گذاشت ؟ گفتند : صفیه طواف افاضه را به اتمام رسانده . و این دال بر آن است که در حال قاعدگی ماندن در مسجد گرچه برای عبادت هم باشد جائز نیست .

و در روایت آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور فرموده اند که زنان برای نماز و ذکر به مصلی عید بروند ، ولی زنان حائض باید از مصلی کناره گیری نمایند.

وقوع دوره حیض در ایام حج :

اگر زن در حین سفر حج و در مسیر راه به دوره حیض مبتلا شود و یا هم حالت زایمان برایش پیش آید ، در هر یکی از این حالات زن باید به سفر حج خویش بدون کدام تشویش ادامه دهد . ولی اگر در هنگام احرام این امر برایش پیش آمد همانند سایر زنان پاک احرام می بندد زیرا برای احرام بستن پاک بودن زن شرط نیست. در کتاب «المغنی» (293/3، 294) گفته است:

خلاصه مطلب این که:

غسل کردن هنگام احرام همانگونه که برای مردان مستحب است، برای زنان نیز مستحب است، زیرا این عمل احرام یکی از مناسک حج است و این غسل در مورد زنان حائض و نفساء مؤکدتر است به دلیل حدیثی که در این مورد آمده است.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه گفتند: «تا این که ما به محل ذوالحلیفه رسیدیم در آنجا اسماء بنت عمیس زن ابوبکر محمد بن ابی بکر را به دنیا آورد، شخصی را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاد و سؤال کرد که چه بکنم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «غسل کن و فرج خود را با پارچه ای محکم ببند و آنگاه احرام ببند.» متفق علیه.

همچنین از عبدالله بن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «النفساء والحائض إذا أتیا علی الوقت یحرمان ویقضیان المناسک کلها غیر الطواف بالبیئت». (ابوداود). «زنان زانو و در حال عادت ماهانه وقتی که در مراسم حج بودند، احرام می بندند و همه مناسک حج را با همان حالت انجام می دهند جز طواف خانه خدا را». پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم به عایشه رضی الله عنها دستور داد برای حج غسل کند در حالی که وی در عادت ماهانه بود.

احکام حیض و نفاس

حکمت غسل نمودن زن حائض و نفساء برای احرام، پاک کردن خود و همچنین دور کردن بوی بد از بدن جهت قرار گرفتن در اجتماع و مردم است تا مردم از بوی بد ناراحت نشوند، همچنین سبک نمودن نجاست و ناپاکی است.

هرگاه در اثنای احرام زنی حائض شد و یا زایمان کرد، این موارد تأثیری بر محرم بودن وی نمی‌گذارد، بلکه زن به همان صورت در حال احرام است و باید از محظورات احرام دوری کند. در ضمن تا وقتی که از حیض و نفاس پاک نشده و غسل نکرده باشد، نمی‌تواند طواف را انجام دهد. اگر زنی تا روز عرفه (نهم ذیحجه) پاک نشد در حالی که برای حج تمتع (عمره متصل به حج) احرام بسته بود، این چنین زنانی باید اول برای حج احرام ببندند و آنگاه وارد عمره شوند و در نتیجه حج آنها قرآن است. دلیل این حکم حدیث عایشه رضی الله عنها است، هنگامی که ایشان برای عمره احرام بسته بودند، حیض شدند؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم بر وی وارد شدند، در حالی که وی گریه می‌کرد، حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ما بیکیک، لعلک نفست؟». «چه چیزی تو را به گریه وا داشته است، شاید که تو حیض شده‌ای؟» عایشه گفت: بلی. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هذا شیء قد کتبه الله علی بنات آدم، افعلی ما یفعل الحاج غیر أن لا تطوفی بالبیئت». أخرجه البخاری مسلم «این چیزی است که خداوند بر دختران آدم فرض کرده است، هر چه که یک حاجی انجام می‌دهد تو هم انجام بده جز این که خانه خدا را طواف مکن».

در حدیث جابر که حدیث متفق علیه است چنین آمده است: (سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم بر عایشه وارد شد، پس دید که وی گریه می‌کند، آنگاه حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: «تو را چه شده است؟» عایشه گفت: «حالم این است که من حیض شده‌ام؛ مردم همه از احرام عمره در آمده‌اند ولی من هنوز بیرون نیامده‌ام و خانه خدا را طواف نکرده‌ام؛ در حالی که مردم اکنون به سوی احرام حج می‌روند؛ سپس آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «این کاری است که خداوند بر دختران آدم فرض کرده است، پس غسل کن و سپس برای حج احرام ببند».

عایشه گفت: من این کار را کردم و همه مناسب را انجام دادم؛ تا این که پاک شدم، آنگاه کعبه را طواف نمودم و سعی بین صفا و مروه نمودم، آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اکنون تو از حج و عمره‌ات درآمده‌ای».

علامه ابن القیم در کتاب (تهذیب السنن) (303/2) گفته است: احادیث صحیح دلالت صریح دارند به این که عایشه ابتدا تلبیه عمره گفته بود و وقتی که حیض شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی دستور داد که تلبیه حج نماید در نتیجه حج وی مبدل به قرآن شد. به این خاطر رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی گفت: «طواف تو برای خانه خدا و سعی تو بین صفا و مروه برای حج و عمره تو کافی است».

طواف کعبه :

شیخ ابن عثیمین می‌گوید: «زن اگر در دوران قاعدگی باشد طواف کعبه بر او حرام است؛ چون وقتی که عایشه (رضی الله عنها) هنگام ادای مناسک حج قاعده شد، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به او گفت: « اَفْعَلِي مَا يَفْعَلُ الْحَاجُّ غَيْرَ اَلَّا تَطُوفِي بِالْبَيْتِ » «همه کارهایی را که حاجی انجام می‌دهد انجام بده غیر از این که کعبه را طواف نکن» البخاری (1650).

وقتی که به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفتند: که صفیه بنت حبیبی (رضی الله عنها) قاعده شده،

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: « اَحَابِسْتُنَا هِيَ؟ » «آیا او ما را نگاه داشته است؟» بخاری (328، 1757، 4401). چون پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فکر می‌کرد که صفیه طواف افاضه را انجام نداده است، آنگاه مردم گفتند: او طواف افاضه را انجام داده است، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: « اُخْرَجُوا » «حرکت کنید».

احکام حیض و نفاس

از این حدیث چنین معلوم میشود که : اگر زن طواف افاضه- طواف حج- را انجام داد و سپس دوران قاعدگی اش فرا رسید و حیض شد، احکام حج او تمام شده است؛ حتی اگر بعد از طواف افاضه و قبل از سعی صفا و مروه قاعده شد، احکام او تمام شده است؛ زیرا زن در دوران قاعدگی می تواند سعی بین صفا و مروه را انجام دهد.

همچنین از این حدیث فهمیده می شود که طواف وداع از زن حائض ساقط می شود. چنان که به صراحت در حدیث ابن عباس رضی الله عنه آمده که می گوید: « **أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَكُونَ آخِرُ عَهْدِهِمْ بِالْبَيْتِ إِلَّا أَنَّهُ خُفِيَ عَنِ الْحَائِضِ** » «مردم در یافتند که وقتی می خواهند بروند، برای آخرین بار کعبه را طواف کنند، اما این طواف از زن حائض ساقط است» البخاری (1755)، مسلم (1328). (شیخ ابن عثیمین- فقه العبادات(112-115).

زنان شما گشتزار شما اند ؟

« **نساؤکم حرث لکم ، فاتو حرثکم انی شنتم** » (زنان شما گشتزار شما اند پس بیایید به گشتزار به هر نوعی که خواهید) کلمه « حرث » مصدر و به معنای زراعت است ، ومانند زراعت بر زمینی هم که در آن زراعت می شود اطلاق می گردد.
مثلاً میگویند : « این گندم گشت وزرع فلان انسان است » و همچنان معمول است که میگویند : « این زمین زراعتی فلان شخص است » و کلمه (انی) از اسمای شرط است ، که مانند کلمه « متی » در خصوص زمان استعمال می شود ، البته گاهی در مکان هم بکار می رود .
حالا اگر در آیه متبرکه که به معنی مکان استعمال گردد معنای آیه عبارت است : « شما به گشتزار خود داخل شوید ، از هر محلی که خواستید » ، و اگر به معنای زمان مورد استعمال قرار گیرد، معنای آن چنین میشود : « شما هر وقت خواستید به گشتزار خود بروید. ولی مکان آنرا زنان انتخاب میکند ، نه مردان . »

خلاصه به هر معنای که باشد می خواهد اطلاق را برساند ، مخصوصاً با قید « شنتم » این اطلاق روشنتر به چشم می خورد ، و این همان مانعی است که نمی گذارد جمله « **فاتو حرثکم** » دلالت بر وجوب کند ، چون معنا ندارد عملی را واجب کند و به تعقیب اختیار انجام آن را به خود واگذارد .

اگر به حاصل کلام در معنای آیه متبرکه « **نساؤکم حرث لکم** » توجه نمایم در خواهیم یافت که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت گشتزار است به انسان گشت کار ، همانطوریکه گشتزار برای بقای بذر لازم است ، و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می شود ، و کشت کار ، و دیگر غذای برای حفظ حیات و بقای آن نمی ماند ، همچنان اگر زنان نباشد نوع انسانی دوام نمی یابد ، و نسلش قطع می شود ، بلی خداوند (ج) تکون و پدید آمدن انسان و با به عباره دیگر آمدن انسان را خداوند تنها در رحم مادران قرار داده ، و در مقابل طبیعت مردان را طوری قرار داده است که متمایل بسوی زنان باشد . و در بین هر دو جنس انسانی (مرد وزن) مودت و رحمت برقرار بوده و به اثر همین جذبه و کشش وسیله باشند برای بقای نسل انسانی .

زنان شما گشتزار شما اند پس بیاید به گشتزار خود به هر نوعی که خواهید . این معنا را میرساند که میتوانید با زنان خود چه از طریق پیش رو و چه از طریق پشت سر و چه به شکل خوابیده و یا هم بشکل ایستاده چه شب باشد و چه روز ، جماع نماید ، ولی در همه این احوال از مجرای فرزند مجرای که فرزند در آن تکوین می یابد، و در جای که نطفه نزع میگردد ، و طفل از آن بدنیا می آید. باید به گشتزار که همان فرج زن است . در محل که « **من حیث امر کم الله** » (در محل که خالق تو امر نموده است) داخل گردید.

احکام حیض و نفاس

دبر و عقب زن هیچ وقت کشتزار نبوده و داخل شدن به آن به اساس حکم صریح قرآنی حرام میباشد. « فأتوهن من حیث أمرکم الله » پس نزدیکی کنید با ایشان انطوریکه خداوند (ج) امر نموده است. (بقره آیت ۲۲۲)

همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: « لا تأتو النساء فی أدمارهن » (نیاید زنان را در دبر های شان) (احمد، ابن ماجه و ترمذی)

از حضرت ابو هریره (رض) روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

« ملعون من أتى امرته فی دبر » (لعنت شده بر کسیکه بیاید زن خود را در دبرش) (احمد واصحاب سنن) به سند صحیح روایت گردیده که حضرت عمر (رض) به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: « حولت رحلی البارحة » (یعنی وارونه کردم با رخویش را دیشب) پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « أقبل وأدبر وأتق الیحصة والدبر »

(بیا از جانب پیش و از جانب پس و پرهیز کن از وطی زن در حالت حیض و در دبر) (احمد) بدون شك که ضرر جماع شخص بازنش در دبر کمتر از خطر جماع در حال حیض یا نفاس نیست.

نفاس چیست:

نفاس خونی است که بعد از ولادت یا بعد از خروج اکثریت حصه طفل (ولو سقط هم باشد) از شر مگانه

زن خارج میشود.

حد اعظم مدت نفاس چهل روز ، حد اقل ندارد وثبوت آن به نشانه ع دیگری غیر از ولادت محتاج نیست .

(امام شافعی (رح) حد اعظم مدت نفاس را شصت روز و حد اکثر آنرا چهل روز معرفی داشته است در حالیکه امام مالک حد اعظم نفاس را شصت روز معرفی نموده است .
از ام سلمه (رض) روایت است : « کانت النفساء تجلس علی عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم أربعین یوما »

« نفساء » (زنانی که وضع حمل می کنند) زمانی پیامبر صلی الله علیه وسلم چهل روز می نشستند (یعنی نماز و روزه را داد نمی کردند) (صحیح سنن ابن ماجه ، (۵۳۰) ، سنن ابو داود (عون المعبود) : ۳۰۷ / ۵۰۱ / ۱) ، (سنن الترمذی) ۱۳۹ / ۹۲ / ۱) (سنن ابن ماجه ۶۴۸ / ۲۱۳)

استحاضه:

استحاضه عبارت از جاری شدن خون از قسمت پایین رحم در غیر وقت حیض و نفاس پس هر خونی که بیشتر از مدت حیض یا نفاس و یا کمتر از حد اقل آن ، یا قبل از سن حیض که نه سالگی است ، بیاید استحاضه میباشد . قبل از سن حیض که نه سالگی است ، بیاید استحاضه میباشد .

یادداشت :

اگر زن مستحاضه ای بالغ شد و توانایی تشخیص دادن (خون حیض و غیر آن) را نداشت ، به عادت رایج در زنان (خویشاوندش) مراجعه کند ، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم به حمه بنت جحش : « إنما هذه ركضة من ركضات الشيطان فتحيضي ستة أيام أو سبعة في علم الله ، ثم اغتسلي ، حتى إذا رأيت أنك قد طهرت واستنقيت فاصلي أربعاً وعشرين ليلة أو ثلاثاً وعشرين وأيامهن ، وصومي فإن ذلك يجزيك وكذلك فافعلي في كل شهر ، كما تحيض النساء وكما يطهر

احکام حیض و نفاس

لمیقات حیضهن وظهرن» «این ضربه ای از ضربات شیطان است، و توشش یا هفت روز را (خدا مدت آن را می داند) حیض حساب کن، سپس وقتی دیدی که پاک شدی، غسل کن، بیست و چهار یا بیست و سه شبانه روز نماز بخوان و روزه بگیر، این تو را کفایت می کند، و در هر ماه اینچنین عمل کن، همانطور که زنان در اوقات مشخصی حیض و پاک می شوند.» (سنن ابوداود (عون المعبود) : ۲۸۴ / ۴۷۵ / ۱، سنن الترمذی : ۱۲۸ / ۴۷۵ / ۱)، (سنن ابن ماجه : ۶۲۷ / ۲۰۵ / ۱)

استحاضه بر شش نوع میباشد :

کمتر از حداقل حیض، بیشتر از حداکثر حیض، بیشتر از حد اعظم نفاس، بیشتر از عادت و حد اکثر حیض و نفاس.

در حدیث از ام المؤمنین عائشه (رض) روایت است که پیامبر اسلام فرموده است : «المستحاضة لا یغشاها زوجها» (زنیکه در استحاضه است جماع نکند با او شوهرش) چون در استحاضه اذیت است پس جماع مانند حالت حیض حرام میباشد زیرا حق تعالی علت منع جماع با حائض را اذیت قرار داده و اذیت در استحاضه نیز موجود است پس حرمت آن ثابت است. ولی مذهب جمهور علما مستند به حدیث اکرمه (رض) که گفت است : «کانت أم حبیبه تستحاض وکان زوجها یغشاها» (ام حبیبه استحاضه میبود و شوهرش با او جماع میکرد.)

احکام مستحاضه :

آنچه بر زن حایض حرام می شود بر مستحاضه حرام نیست. ولی بر زن مستحاضه واجب است که

برای هر نمازی وضو بگیرد؛ به دلیل فرموده پیامبر صلی اله علیه وسلم به فاطمه بنت ابی حبیبه : «ثم توضی لكل صلاة» (سپس برای هر نمازی وضو بگیر) (صحیح سنن ابن ماجه : ۵۰۷)، (سنن ابوداود (عون المعبود) : ۱۹۵ / ۴۹۰ / ۱، سنن ابن ماجه : ۶۲۴ / ۲۰۴ / ۱)

سیلان الرحم :

سیلان الرحم عبارت از حالت است که :

از فرج زن رطوبتی به رنگ سفید یا زرد بطور مرتب و پیهم خارج میشود. احکام سیلان الرحم مانند احکام استحاضه میباشد.

زن مبتلا به سیلان الرحم باید نماز بخواند، روزه بگیرد و قرآن را تلاوت کند. البته برای هر نماز وضوی جداگانه گرفته هنگام استجاء فرج خود را خوب پاک بشوید.

حسن خاتمه :

در اخیر این رساله کوچک منحیث حسن خاتمه از پروردگار با عظمت میخواهم که نوشته کوچکم را که برای رساندن کمک به خواهران و برادران متدین خویش تحریر داشته ام به دربار خویش مورد قبول قرار داده و به واسطه آن اجری را برایم نصیب نماید و از گناهم بگذرد. «یوم لاینفع مال ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سلیم» (روزی که مال و فرزندان نفعی نمی رسانند مگر با قلب سلیم به حضور خدا رسیده باشد).

واخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

فهرست موضوعات :

- 1- مقدمه
- 2- سن آغاز حيض
- 3- صفات و مدت حيض
- 4- سبب حيض
- 5- نظريات مذاهب مختلف در مساله محيض
- 6- جماع در هنگام حيض
- 7- غسل زن حايض در يهوديت
- 8- كفاره آميزش با زن حائض
- 9- وجايب و مكلفيت هاى زن بعد از حيض
- 10- ترتيب غسل زن حائض در اسلام
- 11- نظر اطباء در مورقرايت جنسى در مدت حيض
- 12- معنا و مفهوم طهارت
- 13- امورى كه در حال حيض مباح است
- 14- عبادت جايز براى زنان حائض
- 15- 1- ذكر الله و قرائت قرآن عظيم الشان
- 16- 2- لمس كردن قرآن عظيم الشان
- 17- 3- داخل شدن به مسجد
- 18- 4- شركت زنان حائض در مراسم عيد، خارج از مصلأ
- 19- 5- خوابيدن کنار همسر در دوران قاعدگى
- 20- حيض مانع چه اعمالى ميشود
- 21- روزه حائض
- 22- نماز حائض :
- 23- ماندن زن حائض در مسجد
- 24- وقوع دوره حيض در ايام حج
- 25- طواف كعبه
- 26- زنان شما گشتزار شما اند ؟
- 27- نفاس چيست
- 28- استحاضه
- 29- احكام مستحاضه
- 30- سيلان الرحم

منابع عمده :

روح الدين الاسلامى : عفيف عبد الفتاح طباره تفسير كابللى صحيح مسلم ، صحيح بخارى و رياض الصالحين ارکان ، شرايط واحكام نكاح تأليف : مولوى داکتر محمد سعيد « سعيد افغانى » متوفى هفت حوت سال ۱۳۶۳

نام رساله : احكام حيض و نفاس

تتبع و نگارش :

الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگى دحق لاره - جرمنى

ادرس ارتباطي : بريښنالیک : saidafghani@hotmail.com